صفحه‌آرا: مهرداد هاشمیان

نگاه

رمان، آزمایشگاه بزرگ انسانی است

محسن مؤمنی شریف، نویسنده و پژوهشگر ادبی یکی از سخنرانان بیست و دومین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت بود که با اشاره به جایگاه رمان در منظومه فکری رهبر شهید انقلاب، این قالب ادبی را یکی از ابزارهای مهم تمدن‌سازی و معرفی هویت ملت‌ها دانست. وی با تبریک به نیما اکبرخانی به مناسبت تقریظ رهبر شهید انقلاب بر کتاب «خاکسپاری دوم بانوی مرگ» به همزمانی این مراسم با سالگرد آزادسازی سوسنگرد اشاره کرد و گفت: «شخصیت اصلی این رمان نیز از قهرمانان سوسنگرد است و این موضوع بر اهمیت اثر می‌افزاید.» مؤمنی شریف با بیان اینکه مفهوم «جنگ اراده‌ها» در این رمان به‌خوبی به تصویر کشیده شده ا، اظهار کرد: «رمان از نظر رهبر شهید انقلاب جایگاه ارزشمندی داشت و برای درک این اهمیت باید آن را در منظومه فکری ایشان بررسی کرد. هر تمدنی پیش از هر چیز باید تعریف خود را از انسان ارائه دهد و سپس انسان تراز و الگوی مطلوب خود را معرفی کند.» وی افزود: «انقلاب اسلامی انسان‌های بزرگی را به میدان آورد که حوادث بزرگی را رقم زدند، اما در حوزه معرفی و روایت این انسان‌ها آنگونه که باید، کار نشده است. انتظار رهبر شهید انقلاب از هنرمندان به‌ویژه داستان‌نویسان و رمان‌نویسان این بود که نگاه انقلاب اسلامی به انسان را تبیین کنند و انسان‌هایی را که انقلاب پرورش داده است، به جامعه معرفی کنند.» این پژوهشگر ادبی رمان را یک آزمایشگاه بزرگ انسانی توصیف کرد و گفت: «هر خواننده هنگام مطالعه یک داستان، خود را در موقعیت شخصیت‌های آن قرار می‌دهد و از خود می‌پرسد اگر در جایگاه آن شخصیت بود، چه تصمیمی می‌گرفت و کدام مسیر را انتخاب می‌کرد. به این ترتیب، خواندن رمان فرصتی برای تمرین انتخاب‌های درست در زندگی است و نویسنده صرفاً یک داستان‌نویس نیست، بلکه معمار روان جامعه است.» مؤمنی شریف همچنین با تأکید بر اینکه هنرمند نباید تنها به بازنمایی تلخی‌ها و مشکلات جامعه بسنده کند، اظهار کرد: «هنر در کنار شناخت واقعیت‌ها باید جامعه را به سمت افق‌های امیدبخش و آرمان‌های بلند حرکت دهد و مسیر رسیدن به آینده مطلوب را ترسیم کند.» وی گفت: «رمان این ظرفیت را دارد که تاریخ را از حالت مجموعه‌ای از اسناد و اطلاعات خارج و به تجربه‌ای زیسته تبدیل کند؛ به‌گونه‌ای که مخاطب بتواند شخصیت‌های تاریخی، زندگی و موقعیت‌ها و تصمیم‌های آنان را درک کند.» وی افزود: «یکی از انتظارات رهبر شهید انقلاب این بود که ما، رمان خودمان را داشته باشیم و بتوانیم در جهان خودمان، خودمان را روایت کنیم. در واقع نباید صرفاً مصرف‌کننده آثار دیگران باشیم، بلکه باید در عرصه ادبیات و هنر، تولیدکننده و صاحب اثر باشیم.»

انتشار «بازدارندگی ناتمام»



کتاب «بازدارندگی ناتمام» نوشته حمیدرضا عزیزی با ترجمه آرمین منتظری از سوی نشر وزن دنیا منتشر شد. این اثر ضمن بررسی روند شکل‌گیری و تحول محور مقاومت، ابعاد ایدئولوژیک، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی آن را تحلیل می‌کند. نسخه اصلی کتاب سال ۲۰۲۶ در آلمان منتشر شده است.

انتشار فراخوان جایزه ادبی «دادنامه»

نخستین دوره جایزه ادبی «دادنامه» ویژه رمان‌های منتشرشده در سال ۱۴۰۴ فراخوان داد. در این رویداد، ۵ اثر برگزیده با اهدای تندیس، لوح تقدیر و مجموعا ۱۴۰ میلیون تومان جایزه نقدی تجلیل می‌شوند. مهلت ارسال آثار ۳۰ آذر ۱۴۰۵ است.

رهبر شهید انقلاب در تقریظی بر کتاب «خاکسپاری دوم بانوی مرگ» روایت شیرین و هنرمندانه آن را ستوده بودند

روایتی شیرین از جنگ

گزارش

علی‌الله سلیمی | روزنامه‌نگار | همزمان با برگزاری بیست‌ودومین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت، از متن دستخط تقریظ رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای بر رمان «خاکسپاری دوم بانوی مرگ» نوشته نیما اکبرخانی رونمایی شد. در این مراسم که با حضور جمعی از نویسندگان، پژوهشگران، ناشران و فعالان حوزه کتاب برگزار شد، سخنرانان از جنبه‌های مختلف به بررسی این اثر، ویژگی‌های داستانی آن و جایگاه ادبیات جنگ و مقاومت در روایت تاریخ و هویت ایرانی پرداختند. رمان «خاکسپاری دوم بانوی مرگ» نوشته نیما اکبرخانی در ۲۸۰ صفحه و قطع رقعی توسط انتشارات انقلاب اسلامی منتشر شده است. این اثر داستان نوجوانانی را روایت می‌کند که در سرزمین خود در برابر دشمن ایستادند و مقاومتشان تا ۴ دهه بعد ادامه یافت؛ روایتی که از غرب سوسنگرد آغاز می‌شود و تا شرق مدیترانه امتداد پیدا می‌کند.



عکس: همشهری/ رضا نورالله

تقریظ رهبر شهید انقلاب بر کتاب «خاکسپاری دوم بانوی مرگ»

همزمان با برگزاری بیست‌ودومین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت، متن دستخط تقریظ رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای بر کتاب «خاکسپاری دوم بانوی مرگ» منتشر شد. در این مراسم از متن تقریظ رهبر شهید انقلاب اسلامی بر این اثر رونمایی شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تقریظ خود بر این کتاب نوشته بودند: «شیرین و هنرمندانه نوشته شده است. درواقع باید آن را گونه تازه‌ای از رمان جنگ به شمار آورد. این سبک کار باید تشویق شود.»

مسئولیت سنگین نگارش یک رمان

نیما اکبرخانی، نویسنده رمان «خاکسپاری دوم بانوی مرگ» گفت: «زمانی که پیشنهاد نگارش کتاب به من داده شد، با اشتیاق آن را پذیرفتم، اما پس از آشنایی بیشتر با ابعاد موضوع و مطالعه و تأمل درباره آن، متوجه شدم مسئولیت سنگینی را بر عهده گرفته‌ام.» وی با اشاره به اینکه تأکید اصلی در نگارش کتاب انتقال مفاهیم در قالب داستان و روایت بود، اظهار کرد: «معتقدم بسیاری از مفاهیم را می‌توان از طریق روایت داستانی بهتر به مخاطب منتقل کرد. همچنین قرار بود روایت ما درباره رشد و پیشرفت ایران در حوزه دفاعی باشد.» اکبرخانی افزود: «از همان ابتدا تلاش کردم نگاه موردنظر رهبر شهید انقلاب به شکل مستقیم و آشکار در متن منعکس نشود، بلکه مفاهیم در لایه‌های داستانی و در بستر روایت به مخاطب منتقل شود. همین مسئله از نظر فرم و ساختار داستان کار را با دشواری‌های خاصی مواجه می‌کرد.» وی درباره مضمون داستان هم توضیح داد: «داستان در ظاهر درباره تقابل یک سردار ایرانی با یکی از افراد بلندپایه طرف مقابل است، اما در لایه‌های عمیق‌تر روایتگر تقابل ایران و دشمن و همچنین بخشی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دفاعی کشور است.»

استقبال مخاطبان از کتاب

در ابتدای این مراسم، محمدرضا حبیب‌اللهی، مدیر انتشارات انقلاب اسلامی گفت: «این کتاب در نمایشگاه بین‌المللی کتاب سال ۱۴۰۳ عرضه و با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد. رهبر شهید انقلاب هم پس از ۳ ماه مطالعه کتاب، متنی تحسین‌آمیز و تشویقی بر آن نوشتند. تقریظ رهبر انقلاب بر این کتاب درواقع شبیه یک تکلیف فرهنگی بوده است.»



رسالت اهالی فرهنگ؛ مجاهدت مخلصانه

علیرضا مختارپور، پژوهشگر ادبی در بخش دیگری از این نشست با اشاره به دیدگاه‌های رهبر شهید انقلاب درباره نقش خواص فرهنگی در تحولات جامعه بر مسئولیت نویسندگان، هنرمندان و فعالان رسانه‌ای در تبیین و ترویج مفاهیم فرهنگی تأکید کرد. وی گفت: «از نظر رهبر انقلاب، خواص، مهم‌ترین عامل در تحول جوامع و هدایت یا انحراف آنها هستند. ایجاد یک فکر، گفتمان و جریان فکری در جامعه نیز به‌دست خواص صورت می‌گیرد. در این میان هنرمندان، نویسندگان، گویندگان، مجریان، کارگردانان و هنرپیشگان باید دست به دست هم بدهند تا مفاهیم ارزشمند در قالب برنامه‌های هنری ارائه شوند.» مختارپور با استناد به بیانات رهبر شهید انقلاب درباره اهمیت تبلیغات فرهنگی افزود: «اگر تبلیغات نباشد و ملت ایران، گویندگان، نویسندگان و هنرمندان در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد قرار نگیرند، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد؛ میدانی که بسیار عظیم و خطرناک است.» این پژوهشگر ادبی با اشاره به سخنان رهبر شهید انقلاب در سال ۱۳۶۵ هنر را یکی از مهم‌ترین ابزارهای ماندگاری و گسترش پیام‌ها و جریان‌های فکری دانست و گفت: «هر پیام، دعوت، انقلاب، تمدن و فرهنگی تا زمانی که در قالب هنر ریخته نشود، نفوذ و گسترش نخواهد یافت و ماندگار نخواهد شد.»

قیمت تمام‌شده جنگ را ادبیات مشخص می‌کند

مرتضی سرهنگی، پژوهشگر ادبیات پایداری دیگر سخنران این مراسم بود که در سخنانی به اهمیت ثبت و روایت تجربه‌های جنگ در قالب ادبیات پرداخت. وی با اشاره به اینکه نوشتن درباره جنگ پس از پایان آن در بسیاری از کشورهای جهان به یک سنت تبدیل شده، گفت: «آلمان‌ها، روس‌ها و حتی مردم بوسنی چنین سنتی دارند. در بوسنی با وجود اینکه یک جنگ داخلی سه‌ساله رخ داد، همچنان انجمن دستاوردهای جنگ بوسنی و هرزگوین فعالیت دارد.» سرهنگی با اشاره به جایگاه ادبیات جنگ و مقاومت در ایران افزود: «این ادبیات در کشور ما به‌خوبی شناخته شده و یکی از مشوق‌های اصلی آن حضرت آقا بودند. شاید کمتر کسی بداند پشتیبانی ایشان از ادبیات جنگ و مقاومت تا چه اندازه برای نویسندگان دلگرم‌کننده بود.» این پژوهشگر ادبیات پایداری با تأکید بر اهمیت ثبت تجربه‌های جنگ در آثار ادبی اظهار کرد: «در دنیا برای این ادبیات احترام قائلند، زیرا ادبیات قیمت تمام‌شده جنگ برای ملت‌ها را مشخص می‌کند. ما هنوز نمی‌دانیم این جنگ برایمان چقدر تمام شده است و وقتی قیمت آن مشخص شود، بهتر می‌فهمیم چگونه باید از کشورمان نگهداری کنیم. بنابراین باید کار کنیم و دست‌کم ۲ کلمه را کنار بگذاریم؛ یکی خستگی و دیگری بازنشستگی.»

صفحه‌آرا: حامد یزدانی

پیشگویی پرآشوب اکونومیست برای دنیا



مجله اکونومیست هر سال تلاش می‌کند که با تصویرسازی فشرده بر جلد خود، یک تحلیل کلی از سال پیشرو ارائه دهد. امسال هم جلد تازه مجله برای سال ۲۰۲۷ و ترسیم جهانی پر از تنش سیاسی، بحران اقتصادی و تغییرات فناوری بسیار مورد توجه قرار گرفت. این مجله بریتانیایی ۱۰ روند و تحول مهم را معرفی کرد که آینده سیاسی آمریکا، پیامدهای جنگ با ایران، بحران بدهی، هوش مصنوعی، رقابت بر سر تایوان، سفرهای فضایی و حتی دگرگونی صنعت سینما را در خود جای داده است. یکی از بخش‌های قابل توجه در این لیست مربوط به داروهای لاغری است که از نظر این مجله می‌تواند بر اقتصاد، رفتار غذایی و سبک زندگی جهانیان اثر بگذارد.

قصه‌های ناتمام کودکی در جنگ

گفت‌وگو با علی تک‌روستا، مستند ساز که روایت‌هایش از شهادت کودکان ایران به دلیل حملات آمریکا، جهانی شد

گزارش

گروه گزارش | جنگ، روایت‌های زیادی دارد که بعضی از آنها در هیاهوی خبرها کمتر دیده می‌شوند؛ روایت کودکانی که در مدرسه شهید شدند، ۲ خواهری که در مزرعه جان باختند و خانواده‌هایی که پس از داغ عزیزانشان، از ایستادگی گفتند. علی تک‌روستا، مستندساز، دوربین‌به‌دست سراغ این روایت‌ها رفته و آنها را در مستندهایی چون «خداحافظ مامان»، «گل‌های مزرعه» و «برای هلما و نهال» ثبت کرده است. او در گفت‌وگو با تلویزیون همشهری از مسیری گفت که به ساخت مستندهای اثرگذار در مورد حملات اسرائیل و آمریکا به ایران ختم شد.



عکس: همشهری/ محمد عباس نژاد

صدای لامرد دیر شنیده شد

علی تک‌روستا، مستندسازی که خودش را ارتش یک‌نفره می‌داند، در جنگ اخیر سراغ روایت‌هایی رفت که به گفته خودش کمتر دیده شده بودند؛ از شهادت مهیار زنگنه در مدرسه آبیک قزوین تا ۲ خواهر جان‌باخته در مزرعه‌ای در بوئین‌زهرا و قصه هلما و نهال در لامرد.

تک‌روستا درباره تفاوت بازتاب حمله به میناب و لامرد می‌گوید: «همیشه به دوستانم گفته‌ام که هر کاری باید یک علمدار داشته باشد. به‌نظر من در میناب این اتفاق افتاد. تصویربردارهایی که آنجا حضور داشتند، تصاویری در اختیار خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها قرار دادند و خیلی زود صدای میناب به تمام دنیا رسید اما متأسفانه در لامرد این اتفاق نیفتاد.» او یکی از دلایل دیر دیده شدن لامرد را تأخیر در انتشار تصاویر می‌داند: «تصویربرداری در لامرد حضور داشت که خودش می‌خواست فیلمی تهیه کند و ۲، ۳ ماه طول کشید تا آن فیلم به خروجی برسد. در این مدت تصویری در اختیار دیگران قرار نگرفت و چندماه زمان برد تا صدای لامرد شنیده شود.»

از مهیار زنگنه تا ۲ خواهر بوئین‌زهرا

تک‌روستا درباره ساخت مستند «خداحافظ مامان» می‌گوید: «مدرسه آبیک قزوین هدف اصابت قرار گرفت و مهیار زنگنه، دانش‌آموز ۱۱ ساله در حیاط مدرسه به شهادت رسید. روز پنجم جنگ، مستندم به پخش رسید. به‌نظرم در خبرگزاری‌ها ۳۰، ۴۰ میلیون بازدید داشت و به‌عنوان نخستین مستند جنگ ایران و آمریکا شناخته شد. می‌توانستم آن را برای جشنواره‌ها یا کارهای دیگر نگه دارم، اما آنجا اولویت این بود که هموطنانم ببینند که آمریکا اگر بخواهد کاری انجام بدهد، با همه مردم کار دارد.»

این مستند با زیرنویس ۴ زبان انگلیسی، عربی، روسی و اردو منتشر شد.

او پس از «خداحافظ مامان» سراغ سوژه دیگری رفت: «قصه ۲ برادر که یکی از آنها در مسجد ارگ تهران به شهادت رسیده بود.» اما روایت دیگری که در همان روزها توجهش را جلب کرد، ماجرای ۲ خواهر در مزرعه‌ای در بوئین‌زهرا بود: «پیگیر خبرها بودم که شنیدم خانواده‌ای از بوئین‌زهرا به مزرعه رفته بودند تا در جنگ در آرامش باشند و مشکلی برایشان پیش نیاید، اما موشک دقیقا به همان مزرعه و ساختمانی که در آن بودند اصابت کرد. ۲ دختر خانواده شهید شدند؛ یکی ۱۴ ساله و دیگری ۲۱ ساله که یک بچه شیرخوار داشت.»

او می‌گوید پیش از تشییع ۲ خواهر سراغ خانواده رفت: «همان روزها رفتم و لحظاتی را که پدر و مادر به‌خاطر مجروحیت در بیمارستان بودند و بچه سراغ مادرش را می‌گرفت، به تصویر کشیدم. پدر و مادر به‌دلیل مجروحیت نمی‌توانستند برای تشییع دخترانشان بروند و آنها را برای وداع آخر ببینند. همه این لحظات را ثبت کردم. چه بسا اگر من هم در تهران می‌ماندم، صدای این خانواده‌ها هیچ‌وقت شنیده نمی‌شد.»

دنیای کودکانه‌ای که جنگ از بین برد

تک‌روستا درباره رفتن به لامرد برای ساخت مستند «برای هلما و نهال» می‌گوید: «مدتی از جنگ گذشته بود و هنوز صدایی از لامرد نشنیده بودیم. با من تماس گرفتند و گفتند که خانواده هلما خیلی دوست دارند برای دخترشان هم فیلمی مثل خداحافظ مامان ساخته شود. آنها فیلم مهیار زنگنه را دیده بودند و دوست داشتند برای دخترشان هم که در باشگاه ورزشی لامرد، هنگام والیبال، به شهادت رسیده بود، مستندی ساخته شود.» تک‌روستا درباره هلما می‌گوید: «هلما ۱۰ ساله بود و خانواده همین یک دختر را داشتند؛ بعد از سال‌ها خدا این بچه را به آنها داده بود. ساعت ۴ بعدازظهر با پدرش تماس گرفته بود و گفته بود بیایید دنبالم، حالم خوب نیست. پدر فکر کرده بود منظورش این است که بعد از تعطیلی باشگاه دنبالش برود، اما همان لحظه حال هلما خوب نبوده و حدود یک ساعت بعد هم آن حمله اتفاق افتاد. این برای پدری که همین یک بچه را داشت، تلخ بود.» نهال، دختر دیگری است که تک‌روستا در این مستند به زندگی او پرداخته است: «نهال دختر ۱۲ ساله‌ای است که قهرمان بدمینتون استان فارس بود، موسیقی کار می‌کرد، سنتور می‌نواخت و نقاشی‌های زیبایی می‌کشید. والیبال هم بازی می‌کرد. در حمله به باشگاه ورزشی سرش مجروح شد، گفتارش را از دست داد و عصب‌های دست و پای راستش هم آسیب دیدند و به‌سختی راه می‌رفت. من تلاش پدر و مادر و خانواده‌اش را برای اینکه نهال دوباره به زندگی برگردد، به تصویر کشیدم.»



مکث

مستندساز بحران منتظر نمی‌ماند

عبدالحسین بدلو، مدیر تولید روایت فتح نیز در بخش دیگری از این گفت‌وگوی تلویزیون همشهری، درباره تجربه همکاری با مستندسازان در شرایط بحرانی می‌گوید: «فیلمساز مسئله‌اش را پیدا می‌کند. اتفاقی در کشور افتاده و او می‌بیند کجای این اتفاق قرار گرفته و چطور می‌تواند نقش‌آفرینی کند. منتظر نمی‌ماند کسی به او زنگ بزند و بگوید برو این کار را انجام بده. در جنگ ۱۲ روزه و جنگ اخیر هم بچه‌ها همینطور بودند.»

او با اشاره به دشواری‌های تولید در جنگ می‌گوید: «در ایام جنگ لازم است با هم گفت‌وگو کنیم، قرار بگذاریم و همفکری کنیم. من شاید بتوانم از نظر پشتیبانی، مجوز یا نامه‌نگاری کمک کنم. در جنگ تحمیلی سوم فکر می‌کنم حدود ۴۰، ۵۰ نامه برای بچه‌ها نوشتم تا بتوانند کار کنند. بعضی جاها مجوز نمی‌دادند و باید با نهادهای مختلف هماهنگ می‌کردیم.» بدلو وضعیت معیشتی مستندسازان را هم یکی از مشکلات جدی این حوزه می‌داند: «بعضی از بچه‌ها برای اینکه بتوانند فیلم بسازند، شغل دیگری دارند. یکی با اسنپ کار می‌کند، یکی مغازه زده و یکی شب‌ها در باشگاه کار می‌کند. اینها فیلمسازی را رها نکرده‌اند؛ چون درآمدش کم است، کار دیگری هم انجام می‌دهند تا بتوانند ادامه بدهند.»

او در پایان بر ضرورت توجه به پخش آثار تأکید می‌کند: «بچه‌ها می‌گویند من فیلم را ساختم، حتی حاضرم رایگان بسازم، اما می‌خواهم جایی آن را درست نمایش بدهد تا مخاطب ببیند. پخش گاهی از تولید سخت‌تر است. باید مخاطب‌شناسی کنیم و بدانیم هر فیلم برای چه گروهی مناسب است؛ مثلا آموزش‌وپرورش کدام گروه سنی را می‌تواند مخاطب قرار بدهد. مدارس، مساجد، هیئت‌ها و پلتفرم‌ها هم می‌توانند به نمایش مستند کمک کنند.»

